

## قطعهنامه پایانی تجمع سراسری شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران پیرامون بودجه عادلانه برای آموزش و پرورش

لایحه بودجه مهم‌ترین سندی است که جهت‌گیری و چشم‌انداز وضعیت کشور را در یک سال آینده نشان می‌دهد. بررسی وضعیت بودجه در سال‌های گذشته نشان می‌دهد که متأسفانه، دولت‌ها به بهانه‌ی سیاست‌گذاری اقتصادی، از سهم بودجه‌ی آموزش و پرورش کاسته و در عمل اولویتی برای آن قائل نبوده‌اند به عبارتی، آموزش و پرورش در اولویت حاکمیت نبوده است.

سال گذشته، بیش از ۱۴۰ هزار معلم در قالب «پویش بودجه‌ی عادلانه»، خواستار افزایش سهم آموزش و پرورش در بودجه کشور شدند، اما مجلس بدون توجه به این خواسته، با این استدلال که زمان برای تغییرات محسوس سپری شده است به این مطالبه بی‌توجهی نمود تا امروز شاهد تأثیرات منفی آن در آموزش عمومی کشور باشیم و بودجه سال ۹۶، مانند سال‌های قبل نتوانست یک زندگی شرافتمندانه برای معلمان بازنشسته و شاغل و یک آموزش باکیفیت و عادلانه را برای کودکان رقم بزند.

امسال نیز در ابلاغیه بخشنامه بودجه ۱۳۹۷ توسط رییس‌جمهور، پیش‌بینی شده است که حقوق کارکنان دولت در سال آینده تنها به میزان ۵ درصد افزایش یابد این ابلاغیه در کنار سخنان رییس سازمان برنامه و بودجه که آموزش و پرورش را یک دستگاه بودجه خوار تلقی می‌کند، نشان‌دهنده آن است که در سال آینده روزها و شرایط سخت‌تری پیش روی معلمان و دانش آموزان قرار دارد.

با توجه به وضعیت موجود و بنا بر مصوبه و فراخوان شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران و با اتکا به اصل ۲۶ و ۲۷ قانون اساسی مبنی بر آزادی تجمعات، ما در اینجا گرد هم آمده‌ایم تا به مسئولان و تصمیم‌سازان در ابتدای کار بگوییم «بودجه عادلانه برای آموزش و پرورش» یک مطالبه جدی و راهبردی برای تشکلهای صنفی و معلمان ایران است لذا بر مبنای این خواسته اصلی مطالبات صنفی و آموزشی خود را به شرح زیر اعلام می‌داریم:

۱. ما خواهان بودجه عادلانه، برای افزایش سرانه دانش‌آموزی در راستای تأمین آموزش رایگان، باکیفیت و عادلانه برای تمام کودکان بخصوص دانش‌آموزان مناطق محروم، بازمانده از تحصیل و مهاجر، طبق اصل ۳۰ قانون اساسی هستیم.
۲. ما خواهان بودجه عادلانه برای کیفیت‌بخشی به امکانات و محتوای آموزشی در کلیه سطوح آموزشی از پیش‌دبستانی تا متوسطه هستیم. بایستی امکانات و محتوای آموزشی با توجه به نیازهای امروز کودکان به‌روز گردد، به نیازهای کودکان در مناطق مختلف با توجه به تنوع جغرافیایی، فرهنگی و قومی توجه شود و طبق اصل ۱۵ قانون اساسی زبان مادری در مناطق دوزبانه در مدارس تدریس گردد.
۳. ما خواهان بودجه عادلانه در راستای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی دانش‌آموزان هستیم. بایستی بودجه لازم برای تأمین نیروی مشاور، مددکار اجتماعی و مربی بهداشت در راستای کاهش آسیب‌های اجتماعی از جمله خشونت در مدارس تأمین گردد.
۴. ما خواهان بودجه عادلانه در راستای تحقق شعار روز جهانی معلم از طرف یونسکو یعنی «آموزش آزادانه، توانمندسازی معلمان» هستیم در این راستا باید نظام آموزش تربیت‌معلم بر مبنای آزادی و به اتکای شیوه‌های مشارکتی برای تربیت معلمان توانمند و قدرتمند اصلاح گردد، بایستی دوره‌های ضمن خدمت معلمان به‌صورت رایگان و با توجه به نیازهای معلمان و دانش‌آموزان کیفی سازی و به‌روز گردد.
۵. ما خواهان بودجه عادلانه برای گسترش و تأمین فضاهای آموزشی استاندارد و ایمن هستیم. کلیه مدارس خشتی و گلی و کپری باید فوراً برچیده شود و بودجه به‌صورت عادلانه به مناطق محروم و مرزی اختصاص یابد.
۶. ما خواهان بودجه عادلانه برای تأمین معیشت و منزلت معلمان بازنشسته و شاغل هستیم به طوری که حقوق هیچ فرهنگی زیر خط فقر نباشد. توجه به وضعیت بازنشستگان و همسان‌سازی حقوق آنان با حقوق شاغلین مورد تأکید ماست. بیش از ۹ ماه است که حق الزحمه اضافه‌کاری معلمان پرداخت نشده است. در بودجه سال آینده بایستی دولت تمام بدهکاری‌های خود به معلمان و بازنشستگان را در کلیه سطوح تسویه نماید.
۷. ما خواهان بودجه عادلانه برای اجرای کامل قانون مدیریت خدمات کشوری هستیم قانونی که دولت‌ها از ۱۰ سال پیش تاکنون به‌صورت تعمدی و غیرقانونی از اجرای آن امتناع ورزیده‌اند.
۸. ما خواهان بودجه عادلانه برای تحقق یک بیمه درمانی و تکمیلی کارآمد و جامع هستیم. از نظر ما بیمه‌ای جامع است که پوشش بیمه‌ای مناسبی داشته با مراکز درمانی متعدد و معتبر طرف قرارداد باشد. سقف درمان برداشته شود و برای بیمه تکمیلی بازنشستگان سقف سنی نداشته باشد.
۹. ما خواهان بودجه عادلانه برای گسترش چتر حمایتی دولت از کودکان پیش‌دبستانی هستیم، در حال حاضر حدود ۱۰۰ درصد آموزش پیش‌دبستانی به بخش خصوصی واگذار شده است و مربیان این دوره از امنیت شغلی و حمایت بیمه‌ای برخوردار نیستند.

۱۰. ما خواهان بودجه عادلانه برای تأمین امنیت شغلی و روانی تمام معلمان هستیم. تراکم دانش آموزان در کلاس‌ها باعث بروز ناهنجاری و خشونت در مدرسه است. از سوی دیگر بسیاری از معلمان شاغل در بخش خصوصی، نیروهای حق‌التدریس و آزاد از امنیت شغلی و روانی برخوردار نیستند و خدمات بیمه‌ای به آنان تعلق نمی‌گیرد.

از نظر شورای هماهنگی تشکلهای صنفی ایران، ریشه بسیاری از معضلات و مشکلات فعلی آموزش و پرورش در نگاه نادرست مسئولین و دستگاه‌های مرتبط به مقوله و اهمیت آموزش عمومی است. درحالی‌که در قانون مدیریت خدمات کشوری، آموزش و پرورش دستگاهی حاکمیتی محسوب شده است، در عملی کاملاً متناقض برای اداره‌ی آن در بسیاری از موارد، اقدام به برون‌سپاری (سپردن به بخش خصوصی) می‌شود. در طی سال‌های گذشته دولت‌ها، بخصوص دولت‌های بعد از دوران جنگ، به‌صورت مستمر و به اشکال مختلف از مسئولیت‌های خود در حوزه آموزش عقب‌نشینی کرده‌اند و به‌جای اولویت بخشیدن به آموزش و پرورش کوشیده‌اند با اعمال سیاست‌های خصوصی‌سازی و پولی‌سازی آموزش مسئله و مشکل کسر بودجه را حل نمایند. این سیاست‌ها تأثیرات منفی چون کاهش کیفیت آموزشی و افزایش کودکان بازمانده از تحصیل را در پی داشته است. ما بر مبنای اصل ۳۰ قانون اساسی خواستار توقف خصوصی‌سازی و کالایی‌سازی آموزش هستیم.

### « خصوصی‌سازی آموزش را متوقف کنید و به آموزش و پرورش بودجه عادلانه اختصاص دهید »

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، تحقق مطالبات فوق، ذیل مطالبه اصلی « بودجه عادلانه » را کاملاً قابل‌دسترس می‌داند و بر پیگیری این مطالبات بر بستر تشکلهای صنفی ادامه می‌دهد. در همین راستا، ما بر « حق تشکل یابی مستقل » پافشاری می‌کنیم. دولت یازدهم برخلاف ادعایش موانع جدی بر سر راه تشکل یابی مستقل معلمان ایجاد نموده است. این دولت حق تشکل یابی سراسری را با استانی نمودن محدوده‌ی فعالیت تشکل‌ها، از معلمان سلب کرده است. از دادن مجوز برگزاری مجمع عمومی به برخی استان‌ها امتناع می‌کند. در کم‌کاری آشکار به همراه کمیسیون ماده‌ی ۱۰ احزاب، پروانه فعالیت تشکل‌هایی که برخی از آنان مجمع عمومی خود را در حدود یک سال پیش برگزار نموده‌اند را صادر نمی‌کند. ما به این روند اعتراض داریم. این تناقض در گفتار و عمل دولت، بهانه‌ای شده است که برخی از فعالان به خاطر فعالیت در کانون‌ها مورد بازخواست نیروهای امنیتی و قضایی قرار گیرند، برای آن‌ها پرونده‌سازی صورت گیرد و بر مبنای همان پرونده، برای آنان احکام ناعادلانه‌ای صادر شود.

از سوی دیگر بیش از ۴ سال است که از ادعای آقای رییس‌جمهور! مبنی بر جایگزینی امنیت فرهنگی به‌جای فرهنگ امنیتی می‌گذرد اما همچنان معلمان به خاطر فعالیت صنفی و آموزشی توسط حراست‌ها و نهادهای امنیتی مورد تهدید، احضار و بازداشت واقع می‌شوند. اگرچه برخی نهادهای امنیتی خارج از دولت به‌صورت غیرقانونی در امنیتی کردن فضای فعالیت صنفی نقش داشته‌اند، اما در برخی موارد نیز این برخوردها از سوی نهادهای زیرمجموعه دولت صورت گرفته است و می‌گیرد.

محمود بهشتی لنگرودی، اسماعیل عبدی، محسن عمرانی و مختار اسدی از جمله معلمان هستند که به خاطر فعالیت صنفی در زندان به سر می‌برند و علی‌اکبر باغانی در تبعید است و معلمان چون رضا مسلمی و طاهر قادر زاده تحت حکم هستند و رسول بداقی بعد از اتمام دوران حبس هنوز به سرکار برنگشته است. فعالانی که خواسته‌ای جز مطالبات صنفی و آموزشی نداشته و ندارند و مراحل محاکمه آنان بدون رعایت استانداردهای یک دادرسی عادلانه و برخلاف اصل ۱۶۸ صورت گرفته است. ما به امنیتی کردن فعالیت صنفی اعتراض داریم و خواهان توقف احکام فعالان صنفی و آزادی بدون قید و شرط آنان، رفع تبعید و اخراج و بازگشت آنان به سرکار هستیم.

در پایان یادآوری و تأکید می‌کنیم که ما مطالبات صنفی و آموزشی خود را با صدای رسا و به‌صورت مسالمت‌آمیز در راستای تأمین « بودجه عادلانه برای آموزش و پرورش » پیش از موعد تنظیم بودجه مطرح نمودیم. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی ایران امیدوار است مسئولان این خواسته را که فراتر از خواسته معلمان و یک خواسته ملی است جدی بگیرند و سهم آموزش و پرورش را به میزانی که پاسخگوی مطالبات فوق باشد از سهم بودجه عمومی، ارتقا دهند. شورا بعد از این تجمع از طرق قانونی پیگیر مطالبات خود از دولت و مجلس خواهد بود و در صورتی که در تنظیم بودجه به خواسته معلمان از سوی دولت توجهی نشود، حق اعتراض‌های بعدی به تصمیم دولت را برای خود، حقی مشروع و قانونی تلقی می‌کند و از تمام توان خود برای دفاع از حقوق معلمان و دانش آموزان استفاده خواهد نمود.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران - ۱۳ مهر ۱۳۹۶